

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاښد تن من مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهيم
بدین بوم ویر زنده یک تن مېباد
از آن به که کشور به دشمن دهيم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم «اسیر»
بُن - المان ، می ۲۰۰۲م

مُشتِ پَر

لبت به تازگی غنچه های تر ماند
ز نازکی ، رخت انگشت بر نمی دارد
طواف کوی تو چون کعبه مراد کنم
گذشت قصه یوسف ، حکایت یعقوب
و یا کجا پسری از اطاعت و تمکین
زمانه ایست پر از فتنه و دران فتنه
نهاده پرده غفلت به گوش اهل جهان
زدست رفت دل از عطر زلف و میترسم
ز گرمجوشی طرز نگاه خود ترسم
اگر نبوسمش این داغ بر جگر ماند
ز بوسه هم به لب گرم تو اثر ماند
به کار خویشتم روزگار اگر ماند
کنون کجا پدري در غم پسر ماند
سری به مکرمت و حکمت پدر ماند
به هرکه بنگری کاری نکرده ، در ماند
که ناشنیده سخن ، هرکه هست در ماند
که دل نماند و آن یار بی خبر ماند
که داغ بر رخت از گرمی نظر ماند
روا مدار که در بند غم فتاده «اسیر»
ازو به کنج قفس یک دو مشت پر ماند